

مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره بیست و یک، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۷۷-۹۸

بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن^۱

سید هادی صالحی^۲

دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، پردیس دانشگاهی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

سید مهدی صالحی^۳

استادیار دانشکده فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

رضا نیکخواه سرنقی^۴

استادیار دانشکده فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

حریم خصوصی از جمله مفاهیم دشوار است که ارائه تعریف جامع و مانع و مورد اتفاق از آن در علم حقوق وجود ندارد. در فقه امامیه نیز از این مسئله تعریف و مصطلح شرعی یا مشرعی خاصی ارائه نشده است. از منظر فقه امامیه دو نوع تجسس حرام وجود دارد: یکی تجسس در حریم خصوصی افراد که به طور مطلق بر اساس آنچه از ادله احکام در فقه امامیه بیان شد، حرام است و دیگری تجسس بر ضد نظام اسلامی است که از نگاه فقه امامیه حرام است. خداوند در قرآن کریم و نیز در احادیث معصومین (ع)، تجسس و کنجکاوای در امور دیگران را نهی نموده است، حریم خصوصی افراد را محترم شمرده، تعدی به آن را تقبیح کرده است. شمول این دستورالعمل عمومی است و استثنایی در آن قید نشده است تا تجسس در امور دیگران برای عده‌ای جایز باشد و برای عده‌ای دیگر جایز نباشد. به طور کلی از مفاد و محتوای آیات و روایات و دیگر ادله استفاده می‌شود که حکم حرمت جاسوسی و تجسس دارای حدود مرز خاصی بوده و بر تمام مصادیق آن نمی‌توان حکم حرمت را بار کرد. بر این اساس از دیدگاه اسلام مسلمانان دارای عزت، شأن و حرمت می‌باشند و کسی حق هتک آن را ندارد و اصل اولیه اجتماعی اسلام احترام به دیگران و عدم تجاوز و عدم تجسس از آن‌ها و در نهایت حرمت انکشاف آن چه افراد، خدا و رسول (ص) از محصول آن خشنود نمی‌گردند.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، فقه، جاسوسی، تجسس، نظام اسلامی، جایز.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۷/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۹/۱۵

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): Salehi.h5927@gmail.com

۳. پست الکترونیک: sm.salehi@urmia.ac.ir

۴. پست الکترونیک: r.nikkhah@urmia.ac.ir

۱. مقدمه

در فقه امامیه پیرامون ضوابط و حیطة حرمت تجسس و جواز آن و ادله آن‌ها بحث کافی نشده و می‌طلبد برای دستگاه‌های اطلاعاتی ضوابط و حیطة حرمت تجسس و موارد و مصادیق جواز آن منضبط گردد؛ چراکه انضباط این مسئله و بی‌اطلاعی نسبت به آن‌ها پیامدها، آثار، آفات شرعی بسیاری دارد. علاوه بر این ضرورت تعیین محدوده مجاز تجسس برای نوع مکلفین نیز امری ضروری است. فقهای امامیه حول مبانی حکم تجسس و مقتضای ادله آن و حیطة حرمت و موارد مشروع آن در هیچ‌یک از کتب فقهی به‌طور مبسوط بحث و بررسی نکرده‌اند و صرفاً در برخی از کتب فقهی همانند جهاد، قصاص، دیات صرفاً برخی از مسائل مربوط به تجسس و اطلاع ناروا از حریم دیگران را مطرح نموده‌اند.

موضوع جاسوسی برخلاف برداشت اذهان عمومی یک پدیده نوظهور نیست، گرچه اهداف جاسوسی و انواع آن درگذشته و حال تفاوت پیدا کرده است. در گذشته‌های دور جاسوسی در اکثر موارد برای مقاصد نظامی و مخصوصاً در جنگ‌ها و آن‌هم به‌صورت ابتدایی کاربرد داشته و هم‌چنین برای کشف تحرکات دشمن در زمان صلح. اما امروزه جاسوسی ابعاد مختلف به خود گرفته، علاوه بر امور نظامی، در امور علمی، صنعتی، سیاسی، فرهنگی و... با شیوه‌های بسیار پیچیده انجام می‌پذیرد. یکی از علل توسعه جاسوسی را دانش فنی می‌دانند. در دوران کنونی به علت توسعه سریع تکنولوژی‌های علمی و نظامی، جاسوسی نیز گسترش یافته است و دستگاه‌های اطلاعاتی، عوامل ورزیده را برای این کار پرورش می‌دهند.

بنابراین تحقیق در زمینه موضوع بااهمیتی مثل تجسس و جاسوسی و حفظ حریم خصوصی ضرورت دارد تا تفکیک بین تجسسی که جنبه منفی اخلاقی دارد و تجسسی که معادل جاسوسی است صورت پذیرد و هم برای تنویر افکار عامه مردم و خصوصاً افراد دست‌اندرکار چنین مناصبی به‌عنوان مستمسک، مدرک و راه‌گشا باشد.

۲. معنای لغوی تجسس

«تجسس» در لغت به معنای «دست زدن، با دست لمس کردن، با دست معاینه کردن، بررسی کردن، جست‌وجو کردن، تحقیق کردن، جاسوسی کردن، کسب خبر و خبر جویی به کاررفته و مجازاً به معنای «نگاه کردن از سر کنجکاوی برای شناسایی دیگران» است. (آذر نوش، ۱۳۸۶، ص ۸۵) این واژه در فارسی به معنای خبر جستن است. (دهخدا، ۱۳۸۸)

در کتاب مقایس اللغه در معنای جس آمده است: «هو تعرف الشيء بمس لطيف، و الجاسوس فاعول من هذا، لانه يتخبر ما يريده يخفاء و لطفٍ» (ابن فارسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۱۴) و آن شناختن چیزی با دریافت نامحسوس وظایف است و جاسوس بر وزن فاعول از این باب است (صیغه مبالغه است)، زیرا او هر خبری را بخواهد به آرامی و بدون سروصدا به دست می‌آورد.

«جس» شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف است. جاسوس، بر وزن فاعول، نیز از همین ریشه است، زیرا او هر خبری را که بخواهد به آرامی و بی سروصدا به چنگ می‌آورد.

جواهری در صحاح می‌نویسد: «و جسستُ الاخبار و تجسستُها، ای تفحصتُ عنها و منه الجاسوس و حکى عن الخليل: الجواس: الحواس و قال ابن برید: قد يكون الجس و بالعین...». (جواهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۱۳) و خبرها را جستجو و پیگیری کردم یعنی کنکاش کردم و از همین باب است جاسوس، و از خلیل روایت شده است جواس: یعنی کسی که در کسب خبرها نیت شر دارد و حواس یعنی کسی که در کسب خبرها نیت خیر دارد. و ابن برید بیان می‌کند: گاهی جس گفته می‌شود عین.

صاحب اقرب الموارد می‌گوید: «تجسس الخبر تفحص عنه، و بواطن الامور بحث عنها... الجاسوس و الجسيس صاحب سر الشر و هو العين الذي يتجسس الاخبار ثم ياتي بها. (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۳)

هم چنین در لسان العرب می گوید: «تحسس استمع لحديث القوم وطلب خبرهم في الخير... وبالجميم الشر». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۹۱)
قرطبی در کتاب تفسیر خود پس از نقل این سخن منسوب به اخفش می گوید: نظر اول یعنی عدم فرق بین تجسس و تحسس معروف تر است. (انصاری قرطبی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۳۳۳).

در تفسیر ابن کثیر آمده: «تجسس، تلاش برای کسب خبر است به قصد فتنه انگیزی». (ابن کثیر، بی تا، ج ۴، ص ۲۱۴)

به نظر می رسد از حیث لغوی قول ارجح در معنای تجسس ناظر به جایی که انگیزه‌ی شر در میان باشد، است. شاهد این مدعا دیدگاه برخی از لغویون است، که به آن‌ها اشاره می کنیم، مثلاً چنان که گذشت، در اقرب الموارد آمده است که: «الجاسوس و الجسیس صاحب سر الشر» (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۳) جاسوس و جسیس یعنی کسانی که دارای سر شری می باشند.

تحسس کرد یعنی به گفتار مردم گوش داد تا اخبار سری آن‌ها را به دست آورد (اگر نیت خیر داشته باشد) و تجسس گویند، در صورتی که نیت شر داشته باشد در ماده جس، ابن منظور در کتاب لسان العرب می گوید: التجسس بالجیم: التفتیش عن بواطن الامور و اکثر ما یقال فی الشر و الجاسوس و صاحب الشر» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۳) تجسس باجیم تفتیش کردن از باطن کارهاست و غالباً در امور شر استعمال می شود.

معاضد قول حاضر بیان برخی از بزرگان از مفسرین نیز است، آن‌ها هم قائل اند تجسس باجیم در امور شر به کار رفته است و تحسس با حاء در امور خیر جریان دارد. (ثعلبی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۹۰؛ طبرسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۳۷؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۲۶، ص ۱۵۰)

پس از اجمالی که در معنای تجسس بیان شد، به بررسی و واکاری کلمات مرتبط با تجسس در متون ادبی، فقهی، قرآنی و روایی می پردازیم.

«بحث» یکی از واژه‌هایی است که در قرآن کریم به معنای کاویدن و جست‌وجو کردن و تفحص آمده است. «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سُوءَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سُوءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ». آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال حفر نماید تا به او بنماید چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان کند. (قابیل) گفت: وای (بر من) آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم؟ پس (برادر را به خاک سپرد و) از این کار سخت پشیمان گردید. (سوره مائده، آیه ۳۱) البته بحث در اصل به معنای تفتیش کردن و جست‌وجو کردن از چیزی در خاک است. (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۶۱)

سوره توبه را هم سوره بحوث نامیده‌اند، چه آن‌که این سوره شامل کاویدن و تفتیش اسرار منافقان است. (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۸۹۱) این تسمیه دلیلی بر اعم بودن معنای بحث و عدم انحصار آن در کاوش در خاک است.

در مجمع البحرین آمده است: قوله تعالى: غرابا يبحث في الارض هو من البحث وهو طلب الشئ في التراب والبحث ايضا: التفحص عن الشئ والتفتيش... وفي الحديث: ليس على الناس ان يبحثوا اي يتقصوا عن الاحوال و يفتشوا، من قولهم بحث عن الامر بحثا...». (طریحی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۵)

بر مبنای سخن طریحی «بحث» در آیه شریفه به معنی تفتیش و تجسس نیست، ولی در پاره‌ای از موارد به معنی تجسس و تفتیش استعمال شده است، به‌عنوان مثال در روایت «لیس علی الناس ان يبحثوا» در همین معنی استعمال شده است. هم‌چنین خلیل یکی از معانی بحث را در کتاب العین این چنین بیان می‌دارد: البحث: طلبک شیئاً فی التراب، و سوالک مستخبراً... (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۰۷)

«جوس» کلمه‌ای دیگر است که معنای جستجوی شدید و تفتیش را می‌رساند.

هم‌چنین در قرآن این کلمه در سوره‌ی اسراء آیه ۵ آمده است.

«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» پس هنگامی که وعده نخستین فساد انگیزی و طغیان شما فرارسید، بندگان سخت پیکارگر و نیرومند خود را بر ضد شما برمی انگیزیم، آنان (برای کشتن، اسیر کردن و ربودن ثروت و اموالتان) لابه لای خانه‌ها را با دقت جست‌وجو و تفتیش می‌کنند و یقیناً این وعده الهی انجام‌شدنی است.

«اجتیاس» نیز چنان‌که در اقرب الموارد آمده است به معنای «جوس» می‌باشد. (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵۰).

«تحسس» از سایر لغاتی است که مرتبط با تجسس است. عده‌ای معتقدند که با تجسس مترادف است و عده‌ای معتقدند بین این دو واژه تفاوت وجود دارد. محقق حلی برخی از این تفاوت‌ها را بدین شرح برشمرده است:

الف. جس اخص از حس است، زیرا جس شناختن چیزی است که آن را درک می‌نماید.

ب. تجسس تفتیش و بازرسی از بواطن و پنهانی‌های امور است، درحالی‌که تحسس جست‌وجو از چیزی است که دیگری آن را می‌داند.

ج. تجسس در امور شرو تحسس در امور خیر است.

د. تجسس به دست آوردن خبر برای دیگری است و تحسس تفتیش و طلب خبر برای خویش است.

ه. تجسس بحث و کنجکاوی از عورات و تحسس استماع اخبار مردم است. (محقق حلی، بی‌تا، ۵، ص ۱۶۶)

به نظر می‌رسد این دو واژه معانی متفاوتی دارند و رابطه عموم و خصوص مطلق میان آن‌ها برقرار است. بدین معنا که تحسس عام و تجسس نوع خاصی از تحسس است، (طریحی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۵۷) یعنی هر تجسسی تحسس است ولی هر تحسسی تجسس نیست.

ترصد از کلمات دیگری است که مرتبط با تجسس است. در مصباح المنیر چنین ذکر شده است که: «الترصد: القعود علی الطريق و منه الرصدی: الذی یقعد علی الطريق ینظر الناس لیاخذ شیئا من اموالهم ظلماً و عدواناً». (مقری فیومی، بی تا، ج ۱، ص ۷۲).

تفاوت تجسس و تنصت بر اساس بیان فیومی در این است که تنصت گاهی به صورت سری است و گاهی به صورت آشکار است و حال آن که تجسس اخص از تنصت بوده و فقط به صورت سری است.

از دیگر واژه‌های مرتبط با تجسس و جاسوسی، واژه «عین» است. لذا مشاهده می‌شود که کتب روایی و فقهی عین و جاسوس به یک معنا استعمال شده‌اند، مثلاً ذهبی در شرح صحیح مسلم می‌گوید: «ان العین هو الجاسوس». (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۴)

در فتح الباری فی شرح صحیح البخاری و نیل الاوطار در خصوص استفاده از واژه «عین» به جای جاسوس این چنین بیان شده است: «ان الجاسوس یسمى عیناً لان عمله بعینه او لشدته اهتمامه بالرویه... فکان جمیع بدنه صار عیناً» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۱۲۶؛ شوکانی، ۱۴۱۲ق، صص ۸-۱۰) «به درستی که جاسوس، عین و چشم تسمیه شده است، به این دلیل که جاسوس عمل خود را با چشمش انجام می‌دهد. و یا به سبب اهتمام وی به نگاه کردن است، همانند این که همه بدن جاسوس، چشم می‌شود».

واژه جاسوس در کتاب دایرة المعارف الاسلامیه بدین شکل معنی شده است: جاسوس واژه‌ای است که دلالت می‌نماید بر معنای معروفش. و با واژه عین به معنای رقیب ملازمه دارد و به همین علت است که امکان مفارقت میان این دو واژه در تمامی اشکال و موارد وجود ندارد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۴۰۱)

«سمع و مشتقات آن» از دیگر لغاتی هستند که به تجسس مرتبط هستند و عبارت‌اند

از:

سماعون: جاسوسان، خبرجویان. (عبدالفتاح الصعیدی و حسین یوسف موسی،

۱۹۸۷م، ج ۵، ص ۵۳۵)

سمع به: عیب او را اشتها داد و رسوایش نمود. (سیاح و همکاران، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۳۲) تا بدین جا به بررسی لغوی تجسس و کلمات مرتبط با آن پرداختیم. حال به بررسی معانی اصطلاحی تجسس می‌پردازیم.

۳. معنای اصطلاحی تجسس

۳.۱. تعریف تجسس در متون فقهی و روایی

برخی از فقها همانند آیت الله مشکینی به مطلب اشاره کرده‌اند که در مورد مسئله تجسس در شریعت اسلامی مصطلح شرعی یا متشرعی خاصی وجود ندارد. (مشکینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸) حتی فقهای عظام بحث مستقلی که شامل ابعاد مختلف مسئله تجسس گردد، نیز در کتب مختلف نیآورده‌اند و صرفاً در برخی از ابواب به بررسی بعضی از احکام وضعی یا تکلیفی آن‌ها پرداخته‌اند.

البته تجسس صریحاً در قرآن کریم نهی شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ». (سوره حجرات، آیه ۱۲)

در این آیه شریفه نهی آحاد مسلمین را مورد توجه قرار می‌دهد و بدین معناست که ای اهل ایمان به بحث و جست‌وجو پیرامون زشتی‌ها و معایب نپردازید و به دنبال آنچه خداوند متعال از شما پنهان ساخته است، نباشید. در برخی از قرائات آیه شریفه با (حاء) مهمله خوانده شده است: «و لا تجسسوا» که از ریشه (حس) است که اثر (جس) است و بر اساس هردو قرائت مراد: نهی از جست‌وجو از زشتی‌ها و گناهان است. (آلوسی، ۱۳۷۰، ج ۲۶، ص ۱۵۷)

علاوه بر نهی از تجسس در قرآن کریم در روایات نیز از آن نهی شده است، مثلاً حدیثی از رسول اکرم (ص) در صحیح بخاری نقل شده است: «ایاکم و الظن فإن الظن

اكذب الحديث، و لا تجسسوا و لا تحسسوا و اتناجشوا و لاتحاسدوا و لا تباعضوا و لا تدابروا و كونوا عبادَ الله اِخواناً». (عسقلانی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۱۷۰)

خلاصه این که یکی از معانی ای که در متون فقهی و روایی تجسس، در آن معنا به کار برده شده است، تجسس از عورات و زشتی‌ها و اسرار افراد است. گاهی نیز تجسس و مشتقات آن در متون فقهی و روایی به معنای خیانت به حکومت اسلامی و بیضه اسلام به کار می‌رود و حکم تکلیفی آن بر اساس ادله احکام در فقه امامیه حرمت است، چنان که هم اطلاق آیه شریفه ۱۲ سوره‌ی حجرات شامل این مصداق از تجسس می‌گردد و هم آیه شریفه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ». (سوره آل عمران، آیه ۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خود (غیرمسلمانان) مَحْرَم اسراری انتخاب نکنید، آن‌ها از هرگونه شر و فساد در باره شما کوتاهی نمی‌کنند، آن‌ها دوست دارند شما در زحمت و رنج باشید. دشمنی از دهان آن‌ها آشکار است و آن‌چه در دل هم پنهان دارند از آن‌هم مهم‌تر است، ما آیات را برای شما بیان کردیم، اگر اندیشه کنید.

نتیجه این که در منابع فقهی معنی شرعی یا اصطلاحی خاص متشرعی در خصوص تجسس مورد استفاده قرار نگرفته است لذا جهت تعریف تجسس، تعریفی جز شرح اسم نخواهیم داشت و در منابع مختلف فقهی و روایی، عموماً تجسس و مشتقات آن به دو معنا استعمال می‌شود، تفتیش و تفحص از اسرار، عورات و زشتی‌های افراد و خیانت به نظام و بیضه‌ی اسلام که همان متفاهم عرفی از این واژه است.

۲.۳. تجسس در قوانین جمهوری اسلامی ایران

بر اساس بررسی و تحقیقاتی که ما در قوانین جزایی و کیفری جمهوری اسلامی ایران نمودیم، دریافتیم که قانون‌گذار نیز در هیچ جای قانون به تبیین مفهوم و معنای تجسس نپرداخته است، شاید دلیل آن روشن بودن مفهوم تجسس یا موکول بودن آن به عرف و لغت

باشد. البته در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی به کلمه جاسوسی و جرائم مرتبط با آن اشاره شده اما در آن‌ها معنای تجسس مفروغٌ عنه گرفته شده است.

۳.۳. تعریف حقوقی تجسس

برخی از حقوق‌دانان معتقدند، تجسس عبارت است جمع‌آوری و تملک اطلاعات و اسناد قابل استفاده یک کشور خارجی بر ضد امنیت کشور خارجی دیگر. (گاور، بی تا، ج ۳، ص ۶۹۴)

عده‌ای، جمع‌آوری اطلاعات و مدارک سری و طبقه‌بندی شده در خصوص مسائل نظامی و عملیات آفندی و پدافندی و یا به دست آوردن اطلاعاتی از شرایط و اوضاع و احوال سیاسی یا اقتصادی کشور به این نیت که آن‌ها را در مقابل پول یا هر نوع پاداش در اختیار دول خارجی قرار دهند را تجسس و جاسوسی معنی کرده‌اند. (ولیدی، ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۵۳۳)

برخی از حقوق‌دانان در تعریف جاسوس بیان داشته‌اند: جاسوس فردی است که با عنوان‌های جعلی و تقلبی و به‌طور سری در پی کسب اطلاعات یا اشیائی به نفع دشمنان باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۴۶).

عده‌ای نیز جاسوس را شخصی می‌دانند که به‌طور تقلبی و یا سری و به نفع دشمنان، در پی تفحص و تجسس در خصوص اسرار مملکتی و یا کسب اطلاعات یا اشیاء یا دیگر اسناد مرتبط با توانایی‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی مرتبط با کشور و ارائه آن‌ها به دشمن هستند. (ولیدی، ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۱۰۶)

بر این اساس کلمه تجسس در متون فقهی و اسلامی اعم از، معنایی است که از آن، در متون حقوق به کار می‌رود. در متون حقوقی تجسس و مشتقات آن صرفاً به معنای خیانت به کشور به کار می‌رود و حال آن‌که در متون فقهی و روایی گاه در معنای اعم از آن به کار می‌رود. از سوی دیگر تجسس در متون حقوقی دارای معنای اصطلاحی و بار معنایی

خاصی است و حال آن‌که در متون فقهی و روایی صرفاً به معنای لغوی به کار می‌رود و مصطلح خاص شرعی و متشرعی ندارد.

۴. ارتکاب مقدمات حرام با هدف تجسس

حرمت تجسس هنگام تراحم با اهم، «شانی» است نه «فعلی» در نتیجه، تجسس جایز است، البته در صورتی که از مقدمات حلال برخوردار باشد وگرنه تجسس با ارتکاب مقدمات حرام جایز نیست. آری چنان‌چه تحقق اهم وابسته به تجسس باشد و این تجسس، به ارتکاب مقدمات حرام وابسته باشد، در این‌جا نیز حرمت ارتکاب مقدمات، شانی است در نتیجه، برای حفظ اهم و به حکم عقل، انجام مقدمات جایز خواهد بود.

روایتی از امیرمؤمنان این مطلب را تقویت و تأیید می‌کند. حضرت در گفتگوی خود با زنی که نامه حاطب بنابی بلتعه خطاب به اهل مکه را میان موهای بافته‌اش پنهان ساخته بود، فرمود: به خدا سوگند چنان‌چه نامه را بیرون نیاوری حجاب ازسرت برمی‌گیرم و بعد، گردنت را می‌زنم. (مفید، ۱۳۶۶، ص ۵۶)

۵. اختیارات جاسوسان و مراقبان، و محدوده اقدام آن‌ها

از آن‌جا که جاسوسان، از سوی حاکم شرعی یا قاضیان مأموریت یافته‌اند جایز نیست از موارد رخصت (فرمان) تجاوز کنند و اگر چنین کنند فاسق و گناهکار خواهند بود. نباید بدون مجوز شرعی وارد خانه‌ای شوند چنان‌که نباید در اموری که بیرون از اختیارات آن‌هاست دخالت کنند در مثل برای آن‌ها که در امور جنگی، مأمور کسب خبر شده‌اند جایز نیست در امور اقتصادی وارد شوند و...

این‌گونه روایات از صورت تراحم و پیدایش عناوین ثانویه هم‌چون حفظ نظام، منصرف و روی‌گردان است. روایتی که در مغازی، نقل شده مؤید ادعای ماست:

به رسول خدا خبر رسید گروهی از بنی سعد آهنگ یاری یهودیان خیبر دارند. از این رو پیامبر اکرم، حضرت علی(ع) را همراه صد نفر راهی کوی بنی سعد در فدک نمود، امیر مؤمنان شب‌ها حرکت نمی‌کرد و روزها پنهان می‌شد تا آن‌که در همج (آبگیری میان خیبر و فدک) به جاسوسی برخورد و فرمود: کیستی؟ آیا از پشت سرت از گروه بنی سعد چیزی می‌دانی؟ گفت: نمی‌دانم. بر او سخت گرفتند آن‌گاه او را به سوی خیبر گسیل داشتند تا به یهود اطلاع دهد بنی سعد حاضرند آن‌ها را یاری دهند به آن شرط که از خرمایشان همان سهمی را که برای گروه دیگر قرار داده‌اند برای ایشان نیز کنار بگذارند و باکی از آن‌ها به دل راه ندهند. [همراهان علی(ع)] از جاسوس پرسیدند: آن‌ها که می‌گویی کجایند؟ گفت: هنگامی که آن‌ها را ترک کردم دویست تن گردآمده بودند و سرکرده آنان و بر بن علیم بود. گفتند: با ما بیا و راه را نشان ده. گفت: به شرط آن‌که امانم دهید. گفتند: اگر جای آن‌ها و چهارپایانشان را به ما نشان دهی در پناه ما خواهی بود وگرنه هیچ امانی برای تو نخواهد بود. گفت: [هر چه شما بگویید] همان است. (ابن اسحاق، ۱۳۶۸، ص ۵۶۲)

افزون بر این، نوع اجرای مراقبت و تجسس برحسب اقوام و افراد مختلف متفاوت است. تجسس درباره کفار همراه با تنگ گرفتن، درستی و تندی است برعکس، مراقبت از کارگزاران، قاضیان و دیگر افراد امت اسلامی همراه با لطف و بزرگواری است. همان‌گونه که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحمء بینهم. (سوره فتح، آیه ۲۹)

افزون بر این، عموم سخن معصوم(ع): «رفع... و ما استکرها علیه».

با این برداشت که حکم رفع، تنها ویژه احکام تکلیفی نیست گواه دیگری بر ادعای ماست که عدم اعتبار اعتراف در صورت وجود شکنجه و اکراه، تنها، در مورد حدود نیست و موارد دیگر را نیز دربرمی‌گیرد. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۹۸)

در مجموع، روشن شد محدوده کارکرد و اختیارات مراقبان و مأموران امنیت، تنها، در امور سلبی و منفی نیست. تفتیش، معنای خاصی دارد و آن، جستجو از موارد سلبی، حرام‌ها

و نبایدهاست و از دیگر سو دارای معنایی گسترده است و آن، تفتیش از امور ایجابی و نیکویی ها و هر آنچه دشمنان ما در آن پیش‌ترند همانند اکتشاف‌ها، تحقیقات، فرآورده‌ها و است و مقتضای وجوب حفظ نظام، تفتیش و جستجو درباره هر دو نوع (سلبی و ایجابی) است چراکه در حفظ نظام و پایداری آن نقش ویژه‌ای دارد.

۶. تبیین حکم تجسس و جاسوسی

با توجه به این‌که در تحقیقات فقهی برای وصول به حکم واقعی طی طریق استنباط حکم به روش فقهای عظام و استفاده از روش ایشان حائز اهمیت است نگارندگان نیز برای تبیین قلمرو و حکم اولیه جاسوسی مشی به این را برگزیده و ناظر به ذکر ادله حکم ادله محمول بر فعل جاسوسی در بادی امر به بررسی قلمرو آن می‌پردازد.

۶. ۱. قرآن کریم

خداوند متعال در سوره حجرات آیه ۱۲ صریحاً تجسس را تحریم کرده و این‌گونه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است و تجسسی نکنید البته کراهت و نفرت دارد و تقوای الهی پیشه کنید چه آن‌که خداوند متعال تحقیقاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

سیاق آیه شریفه فوق بیان برخی احکام اخلاقی - اجتماعی است و از جمله احکام مستفاد از این آیه شریفه عبارت‌اند از: ۱. اجتناب از ظن در حق برادران دینی ۲. نهی از تجسس در احوال مردم ۳. نهی از غیبت و تحریم غیبت

برای مثال در آیه شریفه برای بیان قلمرو حکم تحریم سوءظن از قید «کثیراً» استفاده شده که مستفاد از آن این است که همانا همه سوءظن‌ها محرم نیست، لذا ادعای اطلاق تالی فاسد خواهد داشت و بر این اساس مثلاً در باب غیبت شیخ انصاری می‌فرمایند: دلیل حرمت غیب بی‌اعتبار کردن شخص مؤمن و اذیت اوست، حال اگر فرض شود که در این

غیبت برای غیبت‌کننده مصلحتی وجود دارد که به دلالت عقل و شرع این مصلحت بااهمیت‌تر از مصلحت احترامی است که از عدم بیان آن گفتار برای مؤمن حاصل می‌شود، واجب است که حکم بر طبق مصلحت مهم‌تر صورت گیرد. (انصاری، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۴۴) در مورد دیگر احکام مستفاد از این آیه شریفه همین مناط می‌تواند ادعا گردد.

البته برخی از قراء آیه شریفه را «لا تجسسوا» و با حاء مهمله خوانده‌اند که چنان‌که گذشت در معنای «تجسس» و «تجسس» بین علما اختلاف وجود دارد، گروهی مانند اخفش می‌گویند: این دو کلمه از جهت معنا از همدیگر دور نیستند؛ زیرا معنای تجسس از چیزی پوشیده و مستور تفتیش نمودن است و «تجسس» دنبال خبر رفتن - چه مستور باشد و چه غیر مستور - است. (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۳۷)

گروهی نیز مانند ابو عبیده گویند: «تجسس» و «تجسس» هر دو به یک معنی هستند و هیچ فرقی باهم ندارند. (همان، ص ۱۳۷)

گروهی دیگر هم گفته‌اند که تجسس، تفتیش کردن از چیز مستور است، اما «تجسس» در امور محسوس به کار می‌رود. برخی دیگر از لغویون هم گویند: «تجسس» در امور شرّ و «تجسس» در امور خیر به کار می‌رود. (همان، ج ۹، ص ۱۳۷) حال برای ایصال به غرض و مفاد نهی از تجسس و جاسوسی در آیه شریفه به بیان تفاسیر و شروح علما و مفسّرین از آیه شریفه می‌پردازیم.

میرسیدعلی حائری می‌گوید: «لا تجسسوا» به معنای این است که دنبال لغزش‌های مؤمنان نروید و از عیوب مسلمین که آن‌ها را پوشانیده‌اند بحث نکنید. (حائری تهرانی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۰۰) این تفسیر مذکور همان بیان ابن عباس و قتاده و مجاهد است (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۲۱۹)

نصر بن محمد در تفسیر «لا تجسسوا» می‌گوید: یعنی از عیوب برادران دینی خود بحث نکنید. (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۸) ابن ابی حاتم نیز به پیروی از ابن عباس مراد از تجسس را دنبال عیوب برادران دینی و ایمانی رفتن می‌داند. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق،

ج ۱۰، ص ۲۳۰۵) و هبه زحیلی هم در تفسیر خود تجسس را به معنای بحث از عیوب مسلمین و کشف آنچه می‌پوشانند و اطلاع از اسرار مسلمین می‌داند. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۵۵)

مرحوم فاضل مقداد در تفسیر آیه شریفه فوق می‌فرماید: از آیه شریفه فوق اخذ به‌ظاهر حال بدون فحص و تجسس از این‌که آیا مطابق واقع است یا خیر استفاده می‌شود. (کاظمی بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۹)

بر این اساس می‌توان بر اساس مفهوم موافق آیه شریفه و به طریق اولی نهی از جاسوسی از احوال افراد را استنباط کرد، چه آن‌که آیه شریفه نهی اخذ به خلاف ظاهر حال دیگران نموده و این مسئله دلالت بر این دارد که اهل ایمان مکلف و مؤظف‌اند به‌ظاهر حال دیگران قناعت و اکتفا نموده و به دنبال دبر و کنه عمل، قول، فعل دیگران و جاسوسی از احوال آن‌ها نباشند.

۲.۶. احادیث و روایات

در احادیث و روایات نیز حکم حرمت تجسس از احوال اهل ایمان و اسلام وارد شده است، که به‌نوعی می‌توان آن‌ها را مفسر آیات مذکور دانست. بر این اساس نگارنده در این بخش برای ایضاح بهتر قلمرو حرمت به بررسی ادله حرمت از احادیث و روایات می‌پردازد، البته از بین روایات بسیار زیادی که وجود دارد آن دسته از روایاتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که دلالت آن‌ها صریح‌تر و روشن‌تر است و در این راستا نگارنده احادیث را به چند دسته تقسیم می‌کند که هر دسته به‌نوعی مفسر و مبین آیات دال بر حرمت بوده و برای ایضاح بهتر قلمرو مستفاد از آیات ناگزیر از بررسی آن‌ها هستیم.

۶. ۲. ۱. روایات دال بر نهی از ارتکاب فعل جاسوسی و تجسس: در سطور ذیل احادیثی که تصریح در مذمومیت و تقبیح جاسوسی و تجسس دارند به طور موجز ارائه و مورد بررسی قرار می‌گیرد، که عبارت‌اند از:

۱. امام صادق(ع) فرمودند: «الجهل فی ثلاث تبدل الاخوان و المنابذه بغیر بیان والتجسس عما لایعنی». (حرانی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۱۷) امام صادق(ع) در این حدیث صریحاً می‌فرمایند تجسس از چیزی که غرض عقلائی بر آن بار نیست مصداق جهل بوده و انجام آن ممضی شارع نیست.

۲. حدیث دیگری که در این مجموعه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد حدیث مرسل و ضعیف زیر از منابع اهل تسنن است: «ایاکم والظن فان الظن الکذب الحدیث و لاتحسسوا ولا تجسسوا». (نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۲۷) این روایت گرچه صریحاً حکم حرمت را بیان می‌نماید لکن تنها در مصادر اهل تسنن ذکر شده است و می‌توان آن را قرینه‌ای بر حکم مستفاد از آیات دانست.

۳. در جایی دیگر سائل از امام صادق(ع) می‌پرسد: «انّی تزوجت امرأه متعه فوقع فی نفسی ان لها زوجا، ففتشت عن ذلک فوجدت لها زوجا. قال: ولم فتشت؟» (عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۴۵۷) این روایت نیز دلالت دارد که باید به ظاهر حال مسلمان اکتفا کرد و نباید به تجسس و تفتیش از باطن احوال او پرداخت و شاید حکمت این سؤال امام که متضمن توبیخ سائل است این باشد که با تجسس و تفتیش تو آبرو و عرض آن فرد در معرض هتک قرار می‌گیرد، لذا این کار بایسته نیست.

این دسته از روایات که ذکر شده می‌تواند مفسّر و مبین آیه اول باشد و به طور کلی آیه و احادیث به حرمت تجسس و تفتیش از احوال مسلمانان دلالت دارند. و بر اهل ایمان به طور خاص دلالت ندارند البته این عموم با دیگر ادله تخصیص خورده و حمل عام بر خاص خواهد شد.

۲.۲.۶. روایات دال بر تحریم جاسوسی از حوزه شخصی افراد: این دسته از

روایات بسیار فراوان بوده و نگارنده برای آن که حیطة حرمت جاسوسی و تجسس را بهتر به دست آورد، برای جلوگیری از اطاله کلام به برخی از آن‌ها که دلالتشان واضح‌تر است اشاره می‌نماید.

۱. اولین روایتی که در این دسته می‌توان بدان استناد کرده و تحریم تجسس از حوزه خصوصی افراد را از آن برداشت نمود عبارت است از: «ثلاثة يعدّون يوم القيامة... المستمع الى حديث قوم و هم له كارهون». (حویزی، بی‌تا، ج ۵، ص ۹۳) در این حدیث شریف یکی از راه‌های تجسس یعنی استماع به اقوال دیگران نهی شده است و دلالت دارد بر این که دخالت در حیطة شخصی افراد نه تنها مذموم خود آن‌هاست بلکه خداوند متعال نیز آن‌ها مذموم می‌شمارد زیرا در صدر حدیث فاعل آن را معذب در روز قیامت می‌داند.

۲. روایت دیگری که در اصل مفید مفاد روایت اول بوده یعنی تقبیح دخالت در حوزه خصوصی افراد، روایت زیر است: «من استمع الى حديث قوم وهم له كارهون يصب في اذنيه الانك». (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۶)

۳. روایت زیر نیز همان مفاد روایت قبل را ارائه داده و دال بر تقبیح دخالت در حیطة‌های شخصی افراد است: «عوره المؤمن على المؤمن حرام؟ فقال: نعم قلت: سفلیه؟ قال: لیس هو حیث تذهب انما هو اذاعه سره». (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۵، ص ۲۱۴) بر اساس این روایت امام اسرار مؤمن را عورت می‌دانند و تلاش برای افشا کردن اسرار مردم و بازگو نمودن آنچه را مردم نمی‌خواهند دیگران بدانند تحریم می‌کند و به‌طور کلی بر اساس این حدیث شریف تجسس از اسرار مردم (که مانند نگاه کردن به عورت آن‌هاست) و نیز افشای سر او، مشمول حکم تحریم می‌گردد.

۴. دیگر روایت مروی از معصوم (ع) که دال بر تحریم تجسس حوزه خصوصی افراد است روایت زیر است: «انی لم اوامر ان اشق عن قلوب الناس ولا اشق بطونهم». (محمدی ری شهری، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۲) در این روایت معصوم می‌فرماید: من مأموریت ندارم تا

از عقاید و حب و بغض و نیت‌های مردم تفتیش و از رازهای آن‌ها تحقیق کنم بلکه من به ظواهر حال مردم قناعت می‌کنم و تفتیش از پنهانی‌های اعمال و اقوال و عقاید و نیت مردم را بر خود جایز نمی‌دانم.

۵. روایت دیگری که مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی نقل می‌نمایند و مدلول آن تحریم استطلاع و تجسس از لغزش‌ها و عیوب اهل ایمان می‌باشد عبارت است از: «لا تطلبوا عثرات المومنین فان من تتبع عثرات اخیه تتبع الله عثراته، ومن تتبع الله عثراته یفضحه ولو فی جوف بیته». (کلینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۵) بر اساس این روایت نیز معصوم از تجسس و به دنبال لغزش‌ها و اسرار مؤمنان رفتن نهی می‌نماید و کسی را که به دنبال تجسس و لغزش‌های دیگران برود معاقب می‌داند.

روایات بسیار زیاد دیگری هم وجود دارد که از به دنبال اسرار و عیوب و پنهانی‌های افراد رفتن نهی می‌کند که از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم. چه آن‌که با همین اندازه تتبع می‌توان قدر متقین از حرمت جاسوسی و استطلاع را در روایات برداشت کرد.

۶. ۲. ۳. روایات دال بر حرمت اشاعه فحشاء: این دسته از احادیث می‌تواند به‌عنوان مفسر و مبینی برای آیه دوم باشد و به‌طور کلی دلالت بر تحریم اشاعه فحشاء دارند و اگر جاسوسی و استطلاع از احوال دیگران مصداق اشاعه فحشا باشد داخل در دایره حرمت خواهد شد چنان‌که در تفسیر آیه شریفه دال بر اشاعه فحشا گذشت.

روایات کثیری در حوزه تحریم اشاعه فحشاء وجود دارد که جهت اختصار این مقال به یکی از آن موارد اشاره می‌نماییم: «من قال فی مؤمن ماراته عیناه و سمعته اذناه فهو من الذین قال الله عزوجل: انّ الذین یحبون ان تشیع الفاحشه من الذین لهم عذاب الیم». (حویزی، بی‌تا، ج ۱۳، صص ۵۸۲-۵۸۳)

در این روایت امام بیان اسرار و پنهانی‌های دیگران را مصداق اشاعه فحشاء می‌دانند و همان‌طور که اشاعه فحشاء حرام است طبعاً مصادیق آن نیز باید حرام باشد.

۷. نتیجه

با استناد به ادله‌ای که برای حرمت جاسوسی و تجسس و استطلاع به آن‌ها اشاره کرده و در این مجال مورد بررسی قرار گرفت نمی‌توان به‌طور کلی و مطلق قائل به حرمت تجسس و جاسوسی شد چه آن‌که ادله دال بر حرمت، قاصر از این می‌باشند که تجسس و جاسوسی را مطلقاً تحریم نمایند و به‌طور خلاصه می‌توان محدوده حرمت را در محورهای زیر به‌طور خلاصه و موجز مشخص کرد.

۱. تجسس و جاسوسی عبث و بی‌دلیل: همان‌طور که از ادله حرمت می‌توان دریافت اگر جاسوسی و تجسس بدون هدف و بنا بر یک مصلحت یا عرض عقلایی و الهی نباشد بی‌شک محرم بوده و چنان‌که فرموده‌اند این‌گونه تجسس‌ها رفتار جاهلانه است.

۲. تجسس در مورد مؤمنان: از دیگر محورهایی که از ادله حرمت تجسس برمی‌آید تجسس در احوال مؤمنان است چه آن‌که در اکثر روایات در موضوع تجسس قیودی وجود دارد که دلالت بر تحریم جاسوسی در احوال اهل ایمان دارد چراکه نیروهای حکومت اسلامی و متعلق به بیضه اسلام عموماً از خطر و تهدید کلی برای جامعه و نظام اسلامی به دورند و اسرار و عیوب آن‌ها صرفاً جنبه شخصی دارد و جاسوسی در امور آن‌ها نقش سازنده‌ای ندارد. و اگر فردی تمهیدات کمک به اجانب را از طریق جاسوسی و غیره ایجاد کند اساساً جزو اهل ایمان نبوده و مشمول حکم مستفاد از این ادله نخواهد بود. از سوی دیگر از ادله مذکور دال بر حرمت برمی‌آید حرمت دخالت، تجسس و جاسوسی برای اکتشاف عیوب دیگران است چه آن‌که اساساً اسلام در پوشیده‌های رفتار خصوصی مصلحت را اخفای آن می‌داند و مکلفین را از به دنبال عیوب دیگران رفتن باز می‌دارد.

به‌طور کلی از مفاد و محتوای آیات و روایات و دیگر ادله استفاده می‌شود که حکم حرمت جاسوسی و تجسس دارای حدود مرز خاصی بوده و بر تمام مصادیق آن نمی‌توان حکم حرمت را بار کرد. بر این اساس از دیدگاه اسلام مسلمانان دارای عزت، شأن و حرمت می‌باشند و کسی حق هتک آن را ندارد و اصل اولیه اجتماعی اسلام احترام به دیگران و عدم

تجاوز و عدم تجسس از آن‌ها و در نهایت حرمت انکشاف آن‌چه افراد، خدا و رسول (ص) از محصول آن خشنود نمی‌گردند.

علاوه بر این، می‌توان پیشنهاد کرد، در مواردی که لطمات جاسوسی برای کشور بسیار سنگین و جبران‌ناپذیر است می‌توان حبس‌های طولی‌مدت برای آن وضع کرد و در نهایت ممکن است از باب افساد فی الارض یا تعزیر حکم اعدام برای آن در نظر گرفت. لیکن وضع مجازات محاربه برای جاسوسی هیچ توجیه حقوقی و شرعی ندارد.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش، «وام واژه‌های فارسی در نشوار المحاضره تنوخی (قرن چهارم) به قیاس وام واژه‌های کهن‌تر»، مجله نامه فرهنگستان، شماره ۳۶، ۱۳۸۶ ش.
- آلوسی، شهاب‌الدین، روح البیان فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۵، بیروت، دارالاحیاء، ۱۳۷۰ ش.
- ابن اسحاق، محمد بن اسحاق بن یسار المطلبی، سیره ابن اسحاق (کتاب السیر و المغازی)، ۱۳۶۸ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، ج ۲، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن فارسی، ابی‌الحسین احمد بن فارسی بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ۱۴۰۴ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل، سیره ابن کثیر، تصحیح مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالاحیاء، بی تا.
- ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، کتاب الجرح و التعديل، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- الصعیدی، عبدالفتاح، حسین یوسف موسی، الافصاح فی فقه اللغه، مرکز النشر التابع المکتب الاعلام الاسلامی، قم، ایران، ۱۹۸۷ م.
- المقری الفیومی، احمد بن محمد بن علی، مصباح المنیر، مطبعه الیمین، ج ۱، قاهره، ۱۳۲۵ ش.
- انصاری، خواجه عبدالله، منازل السائرین، ۱۳۸۷ ش.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۵، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش.

- ذهبی، محمد، مختصر الاباطیل و الموضوعات، ۱۴۱۳ق.
- جواهری، حسن محمد تقی، بحوث فی الفقه المعاصر، قم، بی تا.
- حائری تهرانی، میر سید علی، مقنیات الدرر، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
- حرانی حلبی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحفل العقول، به تصحیح و تعلیق غفاری، قم، ۱۳۶۳ش.
- حر العاملی، الشیخ ابو جعفر الجزء، وسائل الشیعه، موسسه آل بیت (ع)، الحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
- حویزی، عبدالعلی، نور الثقلین، قم، مطبعه العلمیه، بی تا.
- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.
- زحیلی، وهبه مصطفی، اصول الفقه الاسلامی، دمشق، ۱۴۱۸ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، ط ۱، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- سیوطی، عبدالرحمن، الانقان فی علوم القرآن، تحقیق فراز احمد زمرلی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۴ق.
- شرتونی، سعید الحوزی، اقرب الموارد، منشورات مکتبه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ق.
- شوکانی، محمد بن علی، ارشاد الفحول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، بیروت، دار الصواء، ۱۴۰۵ق.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ۶ جلد، تهران، ۱۴۱۸ق.
- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار النوار، الاسلامیه، تهران، بی تا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
- فیض کاشانی، محمد حسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمومنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- قرشی، علی اکبر، قاموسی قرآن، ج ۸، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱ش.
- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری، الجامع الاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، ۱۴۰۵ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۵ش.
- گارو، رنه، مطالعات نظری و علمی از حقوق جزا، ترجمه نقابت، سید ضیاء الدین، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۴ش.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، ج ۱۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ش.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸ش.
- محقق حلی، جعفر، المعبر، قم، موسسه سید الشهداء، بی تا.

- مشکینی، میرزا علی اکبر، مصطلحات الفقه، الهادی، قم، ۱۳۸۶ ش.
- معلوف، لویس، احمد سیاح، حسن حسن زاده آملی، محمد تقی جعفری، لغت نامه یا فرهنگ بزرگ جامع نوین سیاح ترجمه المنجد (با اضافات) عربی به فارسی، انتشارات اسلام، ۱۳۷۷ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد، مصحح بهبودی، محمد باقر، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ایران، ۱۳۷۶ ش.
- عابدینی مطلق، کاظم، نهج البلاغه، انتشارات آفرینه، چ ۳، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی (جرائم بر ضد امنیت و آسایش عمومی)، تهران، ۱۳۵۷ ش.
- هویدی بغدادی، محمد، التفسیر المعین للواعظین و المتعظین، قم، ۱۴۱۶ ق.

